



آتش بس یکطرفه دونالد ترامپ چه معنا و تفسیری در سیاست بین الملل دارد؟

عقب نشینی یاغی



کسی از دونالد ترامپ که به گزارش حوصله جلسات طولانی بریفینگ نظامی-امنیتی را ندارد انتظار درک استراتژیک از محاسبات پیچیده تصمیم‌سازی جنگ را ندارد و چه بسا، رئیس جمهوری آمریکا بخواهد دوباره وارد جنگ علیه ایران شود. اما پرسش اینجاست؛ او چه دستاوردی می‌تواند کسب کند؟ عملیات ۴ روزه آمریکا طبق برآورد ترامپ-نتانیاهو به یک جنگ ۴۰ روزه تبدیل شد و اهدافی که در ۴۰ روز کسب نشود در ۴۰۰ روز هم حاصل نخواهد شد.

می‌تواند به بهای از دست رفتن حیات سیاسی او منجر شود. بدون تردید کسی از دونالد ترامپ که به گزارش رسانه‌ها حوصله جلسات طولانی بریفینگ نظامی-امنیتی را ندارد انتظار درک استراتژیک از محاسبات پیچیده تصمیم‌سازی جنگ را ندارد و چه بسا، رئیس جمهوری آمریکا بخواهد دوباره وارد جنگ علیه ایران شود. اما پرسش اینجاست؛ او چه دستاوردی می‌تواند کسب کند؟ عملیات ۴ روزه آمریکا طبق برآورد ترامپ-نتانیاهو به یک جنگ ۴۰ روزه تبدیل شد و اهدافی که در ۴۰ روز کسب نشود در ۴۰۰ روز هم حاصل نخواهد شد.

اکنون میسر در تازه‌ترین گزارش خود از محاسبات نادرست ایالات متحده در جنگ رمضان نوشته است: «پنتاگون برای اطمینان بخشی در داخل کشور، دست به کار شد و آمار و ارقام امیدوارکننده‌ای ارائه داد. آنها لیست بمب‌های پرتاب‌شده و اهداف نابودشده را برشمردند. با این حال، هرچه روزهای جنگ به هفته‌ها تبدیل می‌شد، هجوم آمار و ارقام نوانست این واقعیت سرسخت را پنهان کند؛ آمریکا در برآورد اینکه چه چیزی برای درهم شکستن اراده دشمنش لازم است، دچار اشتباه محاسباتی شده بود.»

ترامپ هر چه فریاد پیروزی در تروث سوشال سرد دهد و شبکه‌های اجتماعی را به کارزار جنگی خود تبدیل کند اما واقعیت‌های میدانی اثبات می‌کنند، جنگ اخیر برای او، دست کم از هفته دوم، به مهلکه‌ای تبدیل شد که فقط به دنبال پنجره خروج از آن می‌گشت. شاید به همین دلیل است که پایگاه خبری آکسیوس با استناد به منابع خود ادعا کرده می‌خواهد از این جنگ که به طور فزاینده‌ای منفر می‌شود، خارج شود. هیچ کسی در ایالات متحده اعتقاد ندارد این جنگ با پیروزی آمریکا رقم خورده است اما در عوض آمریکایی‌ها اعم از نخبگان، سیاستمداران و افکار عمومی متفق القول هستند که جنگ ترامپ علیه ایران، یکی از غیرضروری‌ترین جنگ‌ها در تاریخ این کشور بوده است. جنگی که موقعیت بین‌المللی واشنگتن را به طور فزاینده‌ای تضعیف خواهد کرد؛ چرا که کارزار آمریکا به جای یک طرح «حساب‌شده» به هرج و مرج مطلق تبدیل شد که بر اساس خلق و خوی رئیس جمهوری و شهودات شخصی ترامپ پیش رفت.

به اذعان روزنامه تلگراف مقامات آمریکایی می‌گویند ترامپ از ساختارهای اداری سنتی که استراتژی واشنگتن در جنگ‌ها را تعیین می‌کنند، جدا شده و در عوض، ناامیدی‌های خود را در رسانه‌های اجتماعی بروز می‌دهد و پست‌های روزانه او به ابزاری برای تعیین مسیر جنگ تبدیل شده است. بر این اساس ترامپ دیگر صبرش در برابر جلسات طولانی و ساختارمند امنیت ملی تمام شده و ترجیح می‌دهد به شهود خود و توصیه حلقه محدودی از وفادارانش که واقعیت جنگ میدانی را برایش «زیباسازی» می‌کنند، تکیه کند. فیلیپ گوردون و ریکا لیسنر از اعضای پیشین امنیت ملی کاخ سفید در دولت‌های اوباما و بایدن به تازگی در فارن پالیسی نوشته‌اند جنگ ایران ضربه‌ای بالقوه مرگبار به نظم بین‌المللی تحت رهبری آمریکا وارد کرده است که از قبل در آستانه فروپاشی بود. ایالات متحده اکنون تهدید اصلی برای نظامی است که روزگاری رهبری آن را بر عهده داشت. نظامی که بر پایه اتحادهای تحت رهبری آمریکا و اصول تثبیت‌کننده‌ای مانند عدم تجاوز، حاکمیت و آزادی دریانوردی بنا شده بود. به اعتقاد این دیپلمات‌های آمریکایی، ترامپ با راه‌انداختن یک جنگ پیشگیرانه و بدون هیچ مبنای حقوقی قابل قبول (چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل) و با مسدود شدن تنگه هرمز توسط ایران، به عادی‌سازی و تسلیحاتی

کردن تنگه‌هایی که اقتصاد جهانی به آنها وابسته است، کمک کرده است. لیسنر به همراه گوردون-که هماهنگ کننده کاخ سفید در امور خاورمیانه در دولت اوباما بود-هشدار می‌دهند این جنگ همچنین پیامدهایی برای اتحاد‌های آمریکا در منطقه هند و اقیانوس آرام خواهد داشت. علی‌رغم تمام صحبت‌ها در مورد اولویت دادن به این منطقه، جنگ علیه ایران تمام تمرکز را از این منطقه برداشته است. ترامپ در جنگ ایران مجبور شد حجم عظیمی از دارایی‌های نظامی خود را از منطقه هند و اقیانوس آرام به خاورمیانه منتقل کند. این اقدام، آمادگی آمریکا را برای درگیری احتمالی با چین به خطر انداخته است.

مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) می‌نویسد: در طول هفت هفته گذشته از جنگ، ارتش آمریکا حداقل ۴۵ درصد از ذخایر موشک‌های تهاجمی دقیق خود؛ حداقل نیمی از موجودی موشک‌های تاد (THAAD) که برای رهگیری موشک‌های بالستیک طراحی شده‌اند؛ و نزدیک به ۵۰ درصد از ذخایر موشک‌های رهگیر دفاع هوایی پاتریوت خود را مصرف کرده است. ارتش آمریکا همچنین تقریباً ۲۰ درصد از ذخایر موشک‌های تامهاوک خود؛ بیش از ۲۰ درصد از ذخایر موشک‌های دوربرد مشترک هوا به سطح خود؛ و تقریباً ۲۰ درصد از موشک‌های SM-3 و SM-6 خود را مصرف کرده است.

اوردوز جنگی ترامپ



برش

در ترجمان سیاست بین‌الملل، وقتی آتش بس رخ می‌دهد به این معناست که محدودیت قدرت، درک و این جمع‌بندی حاصل شده است که امکان پیروزی قاطع و کامل وجود ندارد. جنگ رمضان هم از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین عدم موفقیت احتمالی روند اسلام‌آباد به احتمال خیلی زیاد به معنای بازگشت به جنگ نخواهد بود و انتقال از فاز «دیپلماسی مسلح» به «فریز مسلح» صورت خواهد پذیرفت.

به دلایل زیادی، ایالات متحده فعلاً ظرفیت تداوم نبرد را ندارد، مگر اینکه نتوان سقفی برای حماقت رئیس جمهوری آمریکا قائل شد! ایرادی که به ترامپ وارد است به شیوه اعمال قدرت بازمی‌گردد. در دوره اول حضور در کاخ سفید و بعد از وضع کارزار فشار حداکثری، آمریکایی‌ها به او هشدار می‌دادند نباید دوز مصرف «تحریم» را زیاد کرده تا کاربردش را از دست بدهد. حالا او با هرم «جنگ» همین کار را کرده است. ۲ جنگ با ایران در کمتر از یکسال آخرین و بزرگترین ابزار قدرت واشنگتن در برابر تهران را هم بلاموضوع کرده است. ترامپ به طور علنه‌امیزی شبیه به ولودیمیر زلنسکی به نظر می‌رسد، زمانی که در اتاق بیضی کاخ سفید با تحقیر خطاب به او گفت: «تو کارت می‌بازی نداری!»



شده است. بر همین اساس، راهبرد جدید اتحادیه اروپا در قالب برنامه REPowerEU نیز بر تنوع بخشی جغرافیایی منابع و مسیرهای انتقال انرژی تأکید می‌کند. در این چهارچوب، محور مدیترانه-آناطولی ویژگی‌هایی دارد که آن را به جایگزینی تدریجی برای تمرکز سنتی خلیج فارس تبدیل می‌کند. بنابراین، حتی اگر رقم ۵۰۰ میلیارد دلار هرگز تحقق کامل نیابد، اهمیت واقعی این ابتکار انرژی پس از جنگ اوکراین است؛ انتقال تدریجی تاریخی بازار جهانی انرژی بر خلیج فارس و ایجاد شبکه‌ای چندمسیره، مقاوم و تحت پوشش امنیتی غرب است. در طول نیم‌قرن گذشته، مرکز ثقل انرژی جهانی بر سه مؤلفه استوار بوده: ذخایر عظیم خلیج فارس؛ امنیت دریایی تحت کنترل آمریکا و وابستگی صنعتی اروپا و آسیا به مسیرهای عبوری از تنگه هرمز؛ اما بحران انرژی اروپا پس از ۲۰۲۲ نشان داد که وابستگی جغرافیایی متمرکز خود به یک ریسک امنیتی تبدیل

بازتعریف کند. با یک افزایش بزرگ سیاسی مواجه کرد. ترامپ صبح سه‌شنبه در مصاحبه با شبکه CNBC گفته بود: «من انتظار بیماران دارم. ارتش مشتاق حمله است.»

این بخشی از الگوی آشنای رفتار سیاسی ترامپ است. او ابتدا تهدید می‌کند، سپس عقب‌نشینی می‌کند و سرنوشت مذاکرات یا جنگ را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. اینبار البته تهران دست این آمریکایی جنگ‌طلب را خوانده بود، ترامپ بنشدت به میز مذاکره نیاز داشت تا عدم آمادگی ایالات متحده برای ادامه جنگ را ببوشاند اما تصمیم ایران مبنی بر عدم حضور در اسلام‌آباد، رئیس جمهوری آمریکا را بی‌اعتبار و او را

با یک افتضاح بزرگ سیاسی مواجه کرد. ترامپ یا ناید به حملات نظامی ادامه می‌داد که شواهد موجود حاکی از عدم تمایل واشنگتن به ادامه جنگ بود یا یکجانبه آتش بس را تمدید می‌کرد و تمام تهدیدهای خود را زیرپا می‌گذاشت؛ هر ۲ سناریو برای حاکم کاخ سفید یک شکست آشکار بود.

این در شرایطی است که یک مقام آمریکایی که مستقیماً از اوضاع مطلع است به نیویورک تأیید گفت که بازگشت به جنگ قریب‌الوقوع نیست، حتی با وجود اینکه پنتاگون همچنان به بررسی گزینه‌ها ادامه می‌دهد.

این سرنوشت «جنگ بدون محاسبه» ترامپ است که آن را برای دولتش به یک باتلاق عمیق تبدیل کرده است که حتی

یادداشت

علیرضا جتیی

دبیر گروه بین‌الملل

دونالد ترامپ بعد از همه تهدیدات خود علیه ایران، نهایتاً در واپسین ساعات اتمام آتش بس ۲ هفته‌ای، آن را به طور یکطرفه تمدید کرد، البته این پیش‌بینی پذیرترین رفتار رئیس جمهوری آمریکا بود برای کسی که لاف‌های بزرگ می‌زند و البته نمی‌خواست فعلاً به جنگ ادامه بدهد.

لحن پیام تمدید آتش بس ترامپ با اوایل همان روز که ایران را در صورت

درباره چهارچوب همکاری انرژی ۵۰۰ میلیارد دلاری ترکیه با آمریکا

بازآرایی ژئواکونومیک مدیترانه شرقی

دیدگاه



فرشیدفرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

گزارش‌های منتشرشده در فوریه ۲۰۲۴ (اسفند ۱۴۰۴) درباره مذاکره میان ایالات متحده و ترکیه بر سر چهارچوب همکاری راهبردی انرژی با ارزش بالقوه ۵۰۰ میلیارد دلار، اگرچه هنوز تأیید رسمی نیافته، اما از منظر ژئواکونومیک نشانه تحولی بسیار عمیق‌تر از یک توافق سدرمایه‌گذاری یا معامله تسلیحاتی است. این چهارچوب که بنا بر گزارش‌ها می‌تواند مسیر بازگشت آنکارا به برنامه جنگنده‌های نسل پنجم F-35 Lightning II را هموار کند، بیانگر تلاش واشنگتن برای بازسازی معماری امنیت انرژی اروپا از طریق ادغام دوباره ترکیه در زنجیره سرمایه، انرژی و امنیت غرب است. در واقع، موضوع اصلی نه خرید جنگنده، بلکه تبدیل ترکیه به گره مرکزی نظم انرژی پاساروسیی اروپا است؛ نظمی که پیامدهای آن مستقیماً بر موازنه ژئواکونومیک مدیترانه شرقی و موقعیت بلندمدت ایران اثر می‌گذارد.

این تحول نشان می‌دهد که در نظم جدید، انرژی به ابزار حل اختلافات امنیتی تبدیل شده است؛ یعنی همکاری اقتصادی پیش‌ساز همکاری نظامی شده است.

امنیت انرژی در دهه ۲۰۲۰ به مسأله‌ای نظامی تبدیل شده است. حملات به خطوط لوله و تأسیسات انرژی در جنگ اوکراین نشان داد زیرساخت‌های انرژی اهداف مستقیم رقابت قدرت‌ها هستند. بازگشت احتمالی ترکیه به زنجیره دفاعی غرب از طریق F-35 امکان ایجاد پوشش هوایی و اطلاعاتی گسترده برای زیرساخت‌های انرژی مدیترانه و دریای سیاه را فراهم می‌کند. به همین دلیل، همکاری انرژی و دفاعی در گزارش‌های اخیر در قالب یک بسته واحد مطرح شده است. در این چهارچوب، سرمایه‌گذاری انرژی بدون تضمین امنیتی عملاً امکان پذیر نیست.

اتحادهای تراکنشی و ظهور ژئواکونومی امنیت

درباره نقش ترکیه در امنیت انرژی اروپا تأکید می‌شود که این کشور به دلیل موقعیت ترانزیتی خود می‌تواند وابستگی اروپا به روسیه را در بلندمدت کاهش دهد. این روند بیانگر گذار مهمی در سیاست بین‌الملل است؛ اتحادها دیگر صرفاً امنیتی نیستند؛ بلکه بر پایه سرمایه، زیرساخت و زنجیره تأمین شکل می‌گیرند. چهارچوب ۵۰۰ میلیارد دلاری احتمالی دقیقاً در همین منطق قابل فهم است؛ یعنی امنیت از مسیر ژئواکونومی بازتولید می‌شود.

روابط واشنگتن و آنکارا پس از خرید سامانه S-400 روسی در سال ۲۰۱۹ وارد مرحله‌ای از بی‌اعتمادی راهبردی شد که به حذف ترکیه از برنامه F-35 و اعمال تحریم‌های آمریکا انجامید. با این حال، تحولات ناشی از جنگ اوکراین و بحران انرژی اروپا موجب تغییر اولویت‌های غرب شد.

بسته پیشنهادی جدید ترکیبی از سرمایه‌گذاری انرژی، همکاری مالی و عادی‌سازی دفاعی را در یک چهارچوب واحد تعریف می‌کند و احتمالاً در حاشیه نشست ناتو در آنکارا در ژوئیه ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



مدیترانه شرقی طی دهه گذشته صحنه رقابت شدید بر سر منابع گازی و مرزهای دریایی بوده است. اختلافات ترکیه با یونان و قبرس بارها پروژه‌های انرژی شرکت‌های بین‌المللی را با چالش رده مواجه کرده است

مدیترانه شرقی از رقابت مرزی به همکاری سرمایه‌ای

مدیترانه شرقی طی دهه گذشته صحنه رقابت شدید بر سر منابع گازی و مرزهای دریایی بوده است. اختلافات ترکیه با یونان و قبرس بارها پروژه‌های انرژی شرکت‌های بین‌المللی را با چالش مواجه کرده است.

با این حال، تحلیل‌های جدید نشان می‌دهد مسیر اقتصادی انتقال گاز اسرائیل و قبرس از طریق ترکیه، به دلیل هزینه کمتر و اتصال مستقیم به شبکه‌های موجود، انظار اقتصادی منطقی‌تر از پروژه‌های جایگزین است.

ورود سرمایه آمریکایی می‌تواند این رقابت

بدون روتوش



محمد محسن فایزی
کارشناس مسائل فلسطین

تداوم آتش بس و نگرش

تحلیلگران اسرائیلی

آتش بس موقت با اعلام یکطرفه ترامپ، در عمل وارد هفته سوم شد. هرچند در این مدت آتش بس کاملی در جریان نبود و نبرد در خلیج فارس تشدید شد و در نتیجه تنگ هرمز بسته باقی ماند؛ اما به واسطه نوع نبرد شکل گرفته و مدل رفتاری اتخاذ شده از سوی ترامپ، صهیونیست‌ها فعلاً از صحنه نبرد جنگ با ایران به صورت مستقیم کنار رفته‌اند.

شاید براه نباشد که عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان و خارج کردن بیشتر توان عملیاتی‌شان از خاک این کشور و باقی ماندن در منطقه حائل را که به آن خط زرد می‌گویند، آغاز مرحله کنار گذاشته شدن اسرائیلی‌ها حتی در میدان سیاسی جنگ بدانیم.

پس از پیوست پرونده لبنان به آتش بس با ایران از سوی ترامپ علی‌رغم تأکید نتانیاهو و کاتس مبنی بر عدم توقف پروژه آغاز شده در لبنان تا رسیدن به نتیجه، تحلیلگران اسرائیلی این هشدار را صادر کردند که پس از کاهش نفوذ در میدان نظامی، تل‌آویو از میدان سیاسی نبرد با ایران هم کنار گذاشته شده است.

«حالا رسیدن به توافق بسیار دشوار است. در گذشته هم سخت بود و اکنون سخت‌تر شده است.»

این جمله را که مسئول سابق میز ایران در «آمان» سازمان اطلاعات ارتش اسرائیل، پس از تعدید آتش بس بدون ضرب‌الاجل توسط ترامپ، برای توصیف شرایط مطرح کرد، می‌توان خلاصه‌ای از وضعیت و برداشت اسرائیلی‌ها از شرایط کنونی دانست.

دنی سیتیرنیویچ، کارشناس مشهور مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل با انتقاد از کنش سیاسی ترامپ، هشدار می‌دهد: «آیا ایران هنوز تهدیدهای ترامپ را جدی می‌گیرد؟

آیا این تهدیدها همان اثر قبلی را دارند؟ متأسفانه نه. و می‌خواهم روی این نکته تأکید کنم: مهم نیست رئیس جمهوری با معاون او یا وزیر جنگ چه بگویند.

این موضوع هیچ تأثیری بر محاسبات ایران ندارد. از دید ایران، آنها دست بالا را دارند... یک نکته مهم دیگر را باید تأکید کنم، بویژه درباره تهدیدهای ترامپ! در ایران نوعی انسجام وجود دارد. در واقع، ما با «جمهوری اسلامی ایران سوم» مواجه هستیم.»

جالب است که سیتیرنیویچ پیش از تمدید دوباره آتش بس، تأکید کرده بود که آمریکایی‌ها و ترامپ درک غلطی از ایران دارند: «باز دیگر شاهد نشانه‌هایی هستیم از اینکه واشنگتن تا چه اندازه در فهم نظام حاکم بر ایران دچار ضعف است.

زمانی که ایران میان پذیرش خواسته‌های آمریکا یا تشدید یک تقابل که باور دارد می‌تواند آن را مدیریت کرده و حتی در آن پیروز شود، حق انتخاب داشته باشد، پیش‌بینی تصمیم آن دشوار نیست. ایران تسلیم نخواهد شد.» در جمع بندی می‌توان گفت، در فضای غالب سیاسی و رسانه‌ای صهیونیست‌ها از تداوم آتش بس، رضایت دیده نمی‌شود و هشدارهایی در خصوص کنشگری ترامپ و کنار گذاشته شدن اسرائیل از مرکز تصمیم‌گیری‌ها دیده می‌شود.

خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷

بازارهای متنوع مؤسسه ایران دیده خواهید شد